

■ علی‌احمدی فراهانی

۳۵سال پیش در چنین روزهایی، آغازین دوره‌از مجلس‌خبرگان رهبری با پیام‌بنیانگذار انقلاب اسلامی افتتاح شد. در کارنامه خویش، دو اقدام مهم و تاریخی دار د:نخست انتخاب آیت‌الله حسینعلی منتظری به قائممقامی رهبری و سپس در پی ار تحال رهبر کبیر انقلاب، انتخاب آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به رهبری نظام اسلامی. هر دو تصمیم مسبق به‌بسترها و انگیزه‌هایی بود که خوانش آنها موجب شفافیت‌این دو رویداد مهم تاریخ انقلاب اسلامی است. در نوشتاری که پیش‌روی شماسدت، زمینه‌ها و پیامدهای هر دورویکرد توسط بر خی شاهدان آن موردروایت قرار گرفته‌است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **دستور امام به هاشمی‌رفسنجانی برای مطرح نکردن قائممقامی رهبری منتظری**
 قانونی شدن قائممقامی رهبری آیت‌الله حسینعلی منتظری توسط نمایندگان اولین دوره از مجلس خبرگان، معطوف به بستری بود که در طول تاریخ پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره نامبرده وجود داشت. او از شاگردان دیرین امام خمینی و مبارزان پرباشیده نهضت اسلامی و این همه به‌وی جایگاهی ویژه بخشیده‌بود.با این همه امام خمینی رهبر کبیر انقلاب، به دلایلی که از خاطره ذیل می‌توان بدان رسید، با بر گزیدن وی به این سمت مخالف بودند. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدی ری‌شهری در خاطرات خویش، جریان این مخالفت را به نقل از آیت‌الله محمد محمدی گیلانی (از اعضای اولین دوره از مجلس خبرگان)، اینگونه روایت کرده است:

«اینکه امام نظر خود را به خبرگان منتقل کردند یا نه، داستانی ششیدنی دارد که باید از زبان آیت‌الله محمدی گیلانی که عضو خبرگان بود، شنید. گفتنی است که ایشان در ملاقاتی با امام قبل از تصمیم خبرگان در مورد قائممقامی آقای منتظری از دیدگاه امام در این باره مطلع شده‌است. آیت‌الله محمدی گیلانی در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۶ به مناسبت شهادت حضرت امام کاظم (ع) در منزل آقای علی رازینی ضمن سخنرانی گفت: یک روز قبل از مطرح شدن قائممقامی آقای منتظری در مجلس خبرگان، ضمن تماس با دفتر امام(ره) کتابی از طریق آقای توسلی و آقای رسولی، از ایشان در خواست ملاقات کردم. در آن موقع اعلام شده بود که امام تا ۱۵ روز ملاقات ن‌دهند من در تکه کاغذی نوشته‌م مطلب ضروری و واجبی است که احساس می‌کنم باید به عرض مبارک برسانم. امام اجازه دادند خدمشان رسیدم و گفتم: فردا قرار است موضوع قائممقامی آقای منتظری در مجلس خبرگان مطرح شود. خواستم به عرضتان برسانم به آقای هاشمی بگوئید مطرح نشود. من به آقای منتظری ارادت دارم. خدمشان درس خوانده‌ام، ایشان را عابد و زاهد می‌دانم ولی این خصوصیات، کافی نیست. ایشان از عهده این کار بر نمی‌آید. امام، گلهای سوزانی از آقای منتظری آغاز کردند که کجاچه کرده و کجاچه...و اضافه فرمودند: احمد هم از او دفاع می‌کنند! از منزل سیدمهدی هاشمی، دست‌نویس‌های او را آورده‌اند. من دیدم نامه‌های آقای منتظری از نوشته‌های مهدی هاشمی‌الهم گرفته! این را من برای ایشان نوشتم!سخن امام که به اینجا رسید، من گفتم: آقای منتظری عین نامه شما را آورد و در جلسه خواند و با خنده گفت: امام خیال کرده که آنچه من برایش می‌نویسم، الهام از سیدمهدی می‌گیرم!امام فرمودند: نامه مرا آورد در جلسه خواند! گفتم: بله! آقای سیدعباس خاتم و سیدجعفر کریمی و چند نفر دیگر هم بودند. امام فرمودند!او ایستور است!عرض کردم: بفرمایید که فردا ایشان به عنوان قائممقام رهبری مطرح نشود!امام قدری فکر کردند و فرمودند: احمد نیست، می‌شود شما زحمت بکشید و به آقای هاشمی بگوئید بعد!ظهر من ایشان را ببینم. عرض کردم: اما به آقای هاشمی بفرمایید که من آمده‌ام و این جریان را خدمت شما گفتم. به هیچ کس نگوئید. می‌ترسم مرا هم شمس‌آبادی کند! یا مثل شیخ قنبر در جاه بیندازند! این را که گفتم، امام (علی‌الله‌مقامه) خندیدند و فرمودند:خاطر تان جمع باشد!از دفتر امام، حرکت کردم و آمد شورای نگهبان. جلسه تمام شده بود. هر کس خدمت آقای هاشمی و گفتم: صبح، خدمت امام رسیدم. کاری داشتم. فرمودند: به آقای هاشمی بگوئید که من ایشان را ببینم، شب، بعد از نماز مغرب و عشا، خاتم حاج‌احمدآقا زنگ زد که حاج‌آقا(امام) فرمودند: آنچه امروز ما صحبت کردیم، مبادا از شما تجاوز کند!ا گفتم: باشد. فردای آن روز، آقای هاشمی موضوع قائممقامی آقای منتظری را در مجلس خبرگان مطرح کرد. آقای محمدی گیلانی اضافه کرد که پس از این ماجرا، روزی آقای هاشمی در حضور جمعی گفت: من بعدازظهر وقت خدمت امام، ایشان فرمودند: موضوع قائممقامی آقای منتظری را فردا مطرح نکن. گفتم: چرا! ما در اجلاسیه قبل به آقایان گفته‌ایم که ایشان را به عنوان قائم مقام مطرح کنیم. فرمود: نباید که از دوستان آمده و چنین گفته. گفتم: ما اعلام کرده‌ایم. دیگر نمی‌شود...»

■ تصمیمی محرمانه که علنی شد!

آیت‌الله سیدجعفر کریمی از نمایندگان آغازین دوره از مجلس خبرگان رهبری و دوستان آیت‌الله منتظری به شمار می‌رود. او بااین همه، از مخالفان بر گزیدن نامبرده به قائممقامی رهبری بود و آن را در مجلس خبرگان نیز بیان کرد. وی بعدها در خاطرات خویش، فضای حاکم بر این مجلس را در روزهای بررسی موضوع قائممقامی رهبری، بدین شرح توصیف کرد:

«من با برداشتی که از آرای حضرت امام داشتم، می‌دانستم که باشیوه مدیریتنی آقای منتظری و نیز نحوه سیاستمداری او و عدم توجه ایشان به برخی از جوانب موضوعات، موافق و طبعاً به این انتخاب راضی نیستند و ایشان را برای تصدی چنین مسئولیت خطیری مناسب نمی‌دانند، لذا با شنیدن نظر دوستان در آن جلسه، در شرایط دشواری قرار گرفتم. چون طرح این پیشنهاد را، آن هم با شستابزدگی و بدون مشورت قبلی، به صلاح نظم نمی‌دانستم، به همین دلیل از رئیس مجلس وقت خواستم که صحبت کنم و گفتم: تعیین قائم‌مقام رهبری نیاز آنی کشور نیست که به این سرعت درباره‌اش تصمیم بگیریم، چون حضرت امام از سلامتی بر خور دارند و با نهایت درایت و هوشمندی، کشور را اداره می‌کنند. فرصت هم هست که بعداً آقای منتظری را به این مقام انتخاب کنیم، بنابراین برای تعجیل در این امر بسیار

مهم اولاً، ضرورتی ندارد، ثانیاً،مردم را نگران می‌کند که چه اتفاقی پیش آمده و ثالثاً، موجب برداشت‌های سوء‌ذهنمان می‌شود. در اثر صحبت‌های بنده در آن جلسه، درباره قائممقامی آقای منتظری تصمیمی گرفته نشد، ولی در جلسه بعد با اصرار هواداران ایشان، موضوع به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید. از آنجا که این تصمیم در جلسه غریبنوعی خبرگان اتخاذ شد، قرار بود فعلاً رسانه‌ای نشود تا مسر فرصت شیوه درستی برای اعلام آن پیش‌بینی شود، ولی امام جمعه وقت قزوین علین خبر را رسانه‌ای کرد!»

■ نگرانی شما از چیست؟ آقای خامنه‌ای که هست!

پس از رحلت امام خمینی، جلسه مجلس خبرگان رهبری در صبحگاه ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ تشکیل شد. مذاکرات این جلسه در عداد اسناد مهم تاریخ انقلاب اسلامی است. حل موضوعات متعدد و نهائنت رسیدن به انتخاب آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، مهم‌ترین تصمیم متخشان ملت در اولین دوره از آن مجلس به شمار می‌رود. آیت‌الله سیدعلی اکبرقرشی – که در رقم خوردن تصمیم تاریخی آن جلسه نقشی مهم داشته- در خاطرات خویش در این باره می‌گوید:

«در جلسه بعد از ظهر، رئیس مجلس مرحوم آیت‌الله مشکینی رسمیت جلسه را اعلام کردند. ابتدا درباره رهبری فردی و شورایی بحث شد و نمایندگان موافق و مخالف صحبت کردند و سرانجام رأی گرفته شد و رهبری شورایی رأی نیاورد. سپس درباره فردی که باید رهبر شود، بحث‌های طولانی مطرح شد. عده‌ای پیشنهاد کردند مرحوم آیت‌الله گلپایگانی رهبر و آیت‌الله خامنه‌ای قائم‌مقام ایشان باشند. بحث مفصلی صورت گرفت، اما به نتیجه‌نرسید و رأی نیاورد. ترکیب شوروی رهبری مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آقای هاشمی‌رفسنجانی، بعد قرار شد شورا متشکل از پنج نفر باشد و به این جمع مرحوم آسیداحمد خمینی و فرد دیگری که اسمش یادم نیست اضافه شود. در هر حال شوروی رهبری رأی نیاورد. با خود فکر کردم اگر وضع یسه همین متوال ادامه یابد، تا ۱۰ روز دیگر هم نخواهیم توانست رهبر را انتخاب کنیم! ناگهان حرف پنج شش سال پیش آقای جور کش یادم آمد که امام فرموده بودند: پس از من اقسای خامنه‌ای برای رهبری از همه بهترند! تا آن لحظه ابداً به یاد این حرف نینفاده بودم، ولی وقتی بحث از رهبری فردی شد، ناگهان یاد آمد. یادداشتید. برای مرحوم آقای مشکینی نوشتم که: اگر امام درباره صلاحیت رهبری آقای خامنه‌ای حرفی زده‌اند و شما

اطلاع دارید، لطفاً برای نمایندگان بازگو کنید. مرحوم آقای مشکینی به من جوابی نداد. نمی‌دانم یادداشت را خواند و صلاح ندانست جواب بدهد یا اصلاً نخواند! به آیت‌الله محسن مجتهدششیرتری، امام جمعه کنونی تبریز و نماینده‌مقام معظم رهبری در آذربایجان شرقی که کنار من نشسته بود، گفتم: شنیدم امام فرموده‌اند: پس از من شایسته‌ترین فرد برای رهبری آقای خامنه‌ای است. شما چیزی شنیده‌اید؟ ایشان گفت: من هم چنین چیزی را شنیده‌ام! بی درنگ گفتم: پس بایبید این را به نمایندگان بگوئیم. بعد من و ایشان چنان فریادی کشیدیم که همه نمایندگان و رئیس مجلس متوجه ما شدند!ا گفتم: آقایان اگر از نظر مساعد

امام به آقای خامنه‌ای حرف و سخنی شنیده‌اند بگوئید تا همه بدانند، چون حرف امام برای ما محبت است.» ابتدا آقای طاهری خرم‌آبادی در این باب سخن گفت و نظر امام را درباره صلاحیت آیت‌الله خامنه‌ای نقل کرد، سپس آقای هاشمی رفسنجانی دنباله حرف را گرفت و گفت: یک روز من، آقای خامنه‌ای و آقای میرحسین موسوی خدمت امام بودیم و حاج احمد آقا هم حضور داشت. نگرانی خود را درباره رهبری پس از عزل آقای منتظری خدمت امام مطرح کردم و ایشان فرمودند: نگرانی شما از چیست؟ آقای خامنه‌ای که هست! یک روز دیگر هم تنها خدمت امام رفتم و باز نگرانی خود را مطرح کردم و ایشان فرمودند: آقای خامنه‌ای از همه اصالح تر است! خداوند را شکر می‌کنم که در آن لحظه این فکر به نظرم رسید و مطرح کردم و نظر نمایندگان متوجه نظر امام شد. از آن به بعد بحث درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای شروع و به ایشان پیشنهاد شد این مسئولیت ابپذیرند.»

■ هاشمی پس از اصرار و تأکید نمایندگان، دیدگاه‌امام را نقل کرد

همانگونه که در فراز پیشین اشارت رفت، آیت‌الله محسن مجتهد ششیرتری از جمله چهره‌هایی است که در جلسه تاریخی ۱۴ خرداد خبرگان، بر اعلام نظام‌رام خمینی درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای پافشاری فراوانی نشان داد. وی بعدها در گفت‌وشنودی، ماجرا را به شرح ذیل نقل کرد: «عده کمی از نمایندگان در آن جلسه، بعضی از مراجع تقلید را مطرح کردند، ولی بنده بر اساس همان یادداشتی که به هیئت رئیسه داده بودم، از جابلدن شدن و پیشنهادم را علنی مطرح کردم و خطاب به آقای هاشمی‌رفسنجانی که جلسه را اداره می‌کرد، گفتم: بنده شنیدم حضرت امام درباره آیت‌الله خامنه‌ای مطالبی را فرموده‌اند که حضرت تعالی در جریان هستید. لطفاً آن مطالب را بازگو کنید. ایشان خطاب به حاضرین در جلسه گفت: آقای ششیرستی این را می‌گوید. بازگو



نظری بر ۲ تصمیم مهم اولین دوره از مجلس خبرگان در سالروز افتتاح این مجلس

رهبری که در مخالفت با انتخاب خویش سخن گفت!

کنم؟ اکثر افرادی که در جلسه حضور داشتند گفتند بهتر است بازگو شود. آقای هاشمی گفت: حاج احمد آقای گفت: من خدمت امام نشسته بودم و تلویز یون آیت‌الله محسن مجتهدششیرتری، امام جمعه کنونی امام عرض کردم: ایشان رئیس‌جمهور شایسته‌ای است. امام فرمود: ایشان برای رهبری هم شایستگی دارد. یک بار هم خود من خدمت امام عرض کردم با عزل آقای منتظری ما در رهبری دچار مشکل خواهیم شد و امام فرمودند: آقای خامنه‌ای هست، مشکلی پیدا نخواهید کرد. آیت‌الله موسوی اردبیلی هم شهادت داد این حرف

■ آیت‌الله خامنه‌ای در مخالفت با رهبری خود سخن گفت!

رفتار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در جلسه بعد از ظهر مجلس خبرگان در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، از مدخل‌های تاریخ شایع در شناخت سیره سیاسی و اخلاقی اوست. او به رغم پذیرش بالا در میان خیل مجتهدان حاضر در مجلس خبرگان رهبری، از پذیرش رهبری سر باز زد و در مخالفت با این رویکرد حداکتری نمایندگان سخن گفت. آیت‌الله ابراهیم‌مینی، نایب‌رئیس وقت این مجلس، در این باره در خاطرات خود آورده است:

«وقتی رهبری فردی تصویب و آقای خامنه‌ای به عنوان بهترین صدق‌ا واجد شرایط رهبری در آن دوران پیشنهاد شدند و پس از صحبت‌های آقای هاشمی مبنی بر تأییدات حضرت امام(ره)، آقای خامنه‌ای که خود از طرفداران شورای رهبری بودند، اجازه گرفتند که در مخالفت با رهبری خودشان و نه مخالفت با اصل انتخاب رهبری فردی صحبت کنند. ایشان پشت تریبون قرار گرفتند و مخالفت خود را اعلام کردند، اما خبرگان قابل قبول نکردند. آقای هاشمی گفت: من هم مثل خود شما شورای رهبری را ترجیح می‌دادم، ولی وقتی مجلس به رهبری فردی رأی داد، در برابر رأی اکثریت تسلیم شدم. در هر حال مسئله رهبری آقای خامنه‌ای به رأی گذاشته شد و با بیش از دو‌سوم آرا به تصویب رسید. پس از انتخاب ایشان، بنده دو پیشنهاد کوتاه‌را خدمتشان عرض کردم. پیشنهاد اولم این بود: حالا که به رهبری انتخاب شده‌اند، ضرورت دارد که در مسائل مهم با علما و مراجعی چون آیت‌الله گلپایگانی مشورت و تفاهم و نظر آنها را جلب کنید. پیشنهاد دوم من این بود: از فقها و مجتهدین اهل نظر دعوت و یک جلسه شورای فقهی تشکیل بدهند. آنها چون فرصت مطالعه و تحقیق بیشتری دارند، می‌توانند درباره مسائل فقهی مورد‌ابتلا کمک‌های بسیار مؤثری بکنند. پیشنهاد آقای جنتی و آقای هاشمی هم این بود که در تصمیم‌گیری‌های مهم، با مجمع تشخیص مصلحت مشورت کنند.»



به‌قائمقامی رهبری نقش مهمی داشت



به شمار می‌رود. علیمهدی مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد باقر ابیطحی اصفهانی از تربیت‌یافتگان نامدار و خ‌دوم حوزه علمیه قم

خوانش زندگی او، به واقع بازخوانی بخشی از تحولات حوزه قم و نیز مناطقی است که در شعاع خدمات دینی آن بزر گوار قرار داشته است. یادنامه‌ای که هم اینک در این مجال معرفی می‌شود، عهده‌دار چنین امری بوده و به قلم جناب محمد امیری سوادکوهی به نگارش درآمده‌است. نویسنده در بخشی از دیباچه این یادنامه، درباره اهمیت تفقه در دین در عصر غیبت آورده است:

«یکی از عالی‌ترین و مهم‌ترین نعمت‌های الهی که بر بشریت عنایت شده و وسیله هدایت آنها به سوی نظم و کمالات انسانی به شمار

می‌رود، موهبت شریعت است که خدای متعال با نزول قرآن کریم بر خاتم پیامبران، نعمت ارشاد بشریت را تکمیل و به وسیله دو نقل گرانسنگ قرآن و عرت، حجت را بر همگان به اتمام رسانید و در عصر غیبت کبرای ولی دوران، فقهای دین را از ناحیه مقدسه، به عنوان مرجع شرعی و ملجأ دینی جامعه معرفی نموده است:» و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم جتئی علیکم و آنا حجه‌الله.» فقها و علما در امتداد

بهبترین صدق‌ا واجد شرایط رهبری در آن دوران پیشنهاد شدند و پس از صحبت‌های آقای هاشمی مبنی بر تأییدات حضرت امام(ره)، آقای خامنه‌ای که خود از طرفداران شورای رهبری بودند، اجازه گرفتند که در مخالفت با رهبری خودشان و نه مخالفت با اصل انتخاب رهبری فردی صحبت کنند. ایشان پشت تریبون قرار گرفتند و مخالفت خود را اعلام کردند، اما خبرگان قابل قبول نکردند. آقای هاشمی گفت: من هم مثل خود شما شورای رهبری را ترجیح می‌دادم، ولی وقتی مجلس به رهبری فردی رأی داد، در برابر رأی اکثریت تسلیم شدم. در هر حال مسئله رهبری آقای خامنه‌ای به رأی گذاشته شد و با بیش از دو‌سوم آرا به تصویب رسید. پس از انتخاب ایشان، بنده دو پیشنهاد کوتاه‌را خدمتشان عرض کردم. پیشنهاد اولم این بود: حالا که به رهبری انتخاب شده‌اند، ضرورت دارد که در مسائل مهم با علما و مراجعی چون آیت‌الله گلپایگانی مشورت و تفاهم و نظر آنها را جلب کنید. پیشنهاد دوم من این بود: از فقها و مجتهدین اهل نظر دعوت و یک جلسه شورای فقهی تشکیل بدهند. آنها چون فرصت مطالعه و تحقیق بیشتری دارند، می‌توانند درباره مسائل فقهی مورد‌ابتلا کمک‌های بسیار مؤثری بکنند. پیشنهاد آقای جنتی و آقای هاشمی هم این بود که در تصمیم‌گیری‌های مهم، با مجمع تشخیص مصلحت مشورت کنند.»

نویسنده مقدمه در بخش دیگری از نوشتار خویش، آیت‌الله ابطلحی اصفهانی و نیز اثر پژوهشی خود را اینگونه معرفی می‌کند: «در این نوشتار از فقهیه سخن به میان می‌آوریم که نزدیک به یک قرن، غیواس آقایانوس بیکران فقه‌آل محمدعلیه‌السلام و شاگرد برجسته دانشگاه امام صادق علیه‌السلام بود. از بزرگ‌محدثی سخن می‌گوییم که شگافته‌ه مناقب خزان علم الهی در عوالم‌العلوم و معادن حکمت الهی در صحیفه‌های آل‌الله بود که دای با عظمت مجلسی زمان را بر قامت با جلال و شکوهش بر تن کرد. از دلباخته امام عصر و زمانی قلمفرسایی می‌کنیم که جز راه او و کوبیدن در معرفت و محبت موعود امم، راه دیگری را نمی‌پیموده و از هیچ کس غیر از امام زمان ارواحفاده دم نزد و رنگ نگرفت. همه و همه وجودش را حجت‌بن‌الحسن ارواحفاده پر کرده بود. آنچنان که گویی نام و یاد امام زمان ارواحفاده با گوشت و خوش عجبین گشته، جز از او سخن نگفت و راهی جز راه او نمی‌پیمود. از فقیه عاملی سخن می‌گوییم

که فقه را در عمل به اجتهاد تاریخ رسانید و درس خارج فقهش را با دست‌های پینه‌بسته در کمک به ایام و محرومان به کرسی نشاند تا آنجا که در این راه یک چشم خود را فدای جانان کرد. از شیخ بهایی عصر سخن می‌گوییم که نه تنها معمار شخصیت‌های مطرح علمی امروز بود، بلکه طرح‌های ماندگار حرم تا مسجد مقدس جمکران، آستان مطهر سلطنتعلی سیدمحمد کافت‌ر، توبل باشکوه اباصالح‌المهدی علیه‌السلام در اقلید و مراکز علمی بلاد اسلامی را از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب ایران اسلامی به یادگار گذارد. از عارف زاهدی سخن می‌گوییم که زهد را در جیره‌خواری امام عصر ارواحفاده و چنین امری بود و در معرفت و مولایش و اشک بر مظلومیت مادر مظلوماش حضرت زهرا علیه‌السلام به رخ مدعیان کشاند و ملجأ و پناهگاهی برای اهل دل و معنا بود. چشمانش نهر زلال همیشه جاری بود که در فراق و محبت امام زمانش می‌جوشید و در وصف جمالش می‌خروشید و در شعاع جانان رخ عیان می‌کرد.

تبیین زوایای زندگی چنین شخصیت باعظمتی که با اخلاص و عمل خود سرباز حقیقی مولایش امام زمان ارواحفاده به‌شمار می‌رفت، گرچه قدم نهان در این وادی بسیار سخت و دشوار است و قلم از بیان آن ناتوان و سطرها از تحمل درک حقیقت آن عاجزند...

ولکن از ایشان آموختیم: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید به راستی اگر ۴۰ روز اخلاص موجب می‌شود که چشمه‌های جوشان حکمت از قلب آدمی بر زبان جاری شود، بی شک، قریب یک قرن تلاش در عمل، معجزه‌ای در پی دارد که خورشید حقیقت وجود آدمی را در میان همه سیاه‌نمایی‌ها و بی‌مهری‌ها در خشان و متالی می‌سازد و بیان سیره عملی مرحوم علامه آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدمحمدباقر



آیت‌الله سیدمحمدباقر ابیطحی اصفهانی

محدثابیطحی اصفهانی (قدس‌سره) به ما یادآور می‌شود که در عصر غبار الودی که شیاطین در پی احیای یکنده‌های هوی و هوس خویش هستند، می‌توان ابراهیمی زیست و با گنجینه اخلاص، علم و عمل، در شعاع‌جانان حرکت کرد و ردای پر شکوه علامه مجلسی‌ها و شیخ بهایی‌ها و مقدس اردبیلی‌ها را بر تن نمود و کیمیای بندگی را به بر رخ‌شریسان و فرشیان کشید.

در این مجموعه سعی بر آن است که بتوانیم از آستانه فرا رسیدن دومین سال عروج ملکوتی آن عزیز راحل، به گوشه‌ای از ابعاد زندگانی آن دلباخته امام زمان ارواحفاده بپردازیم و خصوصیات و ویژگی‌های علمی و اخلاقی ایشان را شرح و آن را مؤید منش مهدوی و پیامبرگونه‌شان قرار دهیم و در تبیین سیره علمی، اخلاقی و اجتماعی ایشان، خاطرات معلم له و سخنران اکابر

علمی جهان اسلام و نزدیکان‌شان را در متن گنج‌جامیم و در حد بضاعت اندک خویش، سپرده از حقیقت زندگی و اسرار موفقیت آن سرباز با اخلاص امام زمان ارواحفاده کنار به‌زنیم تا طالبان کمال و نورانیت را از فیض وجود شخصیتی که قریب به یک قرن در شعاع جانان حرکت کرد، بهره‌مند سازیم. در خاتمه از بیت رفیع آیت‌الله العظمی مرحوم علامه حاج سیدمحمدباقر کوحدایطحی قدس سره و محققان و دست‌اندرکاران با اخلاص مؤسسه علمی تحقیقاتی الامام‌المهدی(عج) که از برکات‌شان در این مجموعه بهره‌مند بودیم و از تمامی بزرگان، علمای عالیقدر، سیماپیت مکرم و معزز بنیانگذار دهه فرخنده‌غیر، حضرت آیت‌الله‌العظمی نظری خادم‌شریعه مازندران‌ی مظلله‌العالی که در این امر حقیر است این مجموعه مورد توجّعات و عنایت و تأییدات مولایمان امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه‌الفدا قرار بگیرد.»